

بازخوانی اندیشه‌های تربیتی امام موسی صدر^۱

فاطمه مریدی^۲

چکیده

امام موسی صدر، فقیه، اندیشمند و مصلحی بزرگ برای جهان اسلام در نیمه دوم قرن بیستم در منطقه غرب آسیا است. عصاره اندیشه امام صدر در مورد دین و ایمان را می‌توان در ارزش و اهمیتی که برای انسان قایل است دریافت؛ به نحوی که رعایت آزادی و کرامت انسانی، اساس و بن‌مایه اصلی حیات فکری و عملی ایشان را تشکیل می‌دهد. بر همین اساس ملاک و معیار دین و دینداری از منظر ایشان، در رعایت اخلاق و فضایل انسانی همه‌ی افراد جامعه محقق می‌شود. تعریف شهید صدر از دین و ایمان، تعریفی انسان‌گرایانه است که آزادی و کرامت انسانی نیز در آن تحلیل می‌شود و این مهمترین ملاک تربیت دینی از منظر امام موسی صدر است. واژه‌های کلیدی: امام موسی صدر، تربیت دینی، ایمان، آزادی، کرامت.

۱. تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۰

۲. مدرس دانشگاه فرهنگیان استان قم، دانش‌آموخته دکتری دین پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم @rezvanelahi@yahoo.com

مقدمه

تعلیم و تربیت به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های انسان و جامعه بشری همواره مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران بوده است. محققان و نظریه‌پردازان گوناگون در تاریخ پر فراز و نشیب بشری، داعیه دار این عرصه بوده‌اند. اگرچه در آموزه‌های اسلامی، خدای متعال و انبیای الهی اولین و والاترین معلمان بشر بوده‌اند و در این مسیر، تعلیم و تربیت حقیقی از این آبشخور هدایت و تأمین شده است. بر این اساس آگاهی از آرای دین و اندیشمندان دینی در عرصه تعلیم و تربیت، می‌تواند ما را در مسیر رشد و پیشرفت بیشتر یاری رسانده و چالش‌های موجود را مرتفع نماید.

امام موسی صدر به عنوان یکی از اندیشمندان دینی دوران معاصر که خود در عمل در حوزه تعلیم و تربیت مشارکت داشته است، رویکرد و نظرات بدیعی در تربیت دینی ابراز داشته است. اگرچه در حوزه تعلیم و تربیت دینی اسلامی، تلاش‌های درخوری صورت گرفته است، اما به سبب اهمیت والای این موضوع خلأهای متعددی نیز وجود دارد. این در حالی است که در مورد آرای تربیتی امام موسی صدر، هیچ اثر قابل توجه و جامعی وجود ندارد. بدین منظور و بر اساس این ضرورت، نگارنده نوشتار حاضر، با مراجعه به آثار مکتوب و شفاهی اندیشه‌های امام موسی صدر، برخی از مهمترین ملاک‌ها و معیارهای تربیت دینی از منظر ایشان را استخراج کرده است و در ذیل موضوع دینداری تبیین کرده است. با وجود آنکه تمامی آثار و آرای ایشان در دسترس نیست، اما این اثر می‌تواند به آغازگاهی در بازشناسی اندیشه‌های تربیتی ایشان یا سایر موضوعات یاری رساند؛ همانگونه که مؤسسه فرهنگی و پژوهشی امام موسی صدر نیز با روی باز از ارائه هرگونه خدمات و تسهیلات علمی و تحقیقاتی استقبال می‌نماید.

سید موسی صدر فرزند سید صدرالدین صدر در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی در قم متولد شد. وی پس از سپری کردن تحصیلات عالی‌ه‌ی حوزوی و غیر حوزوی در قم و نجف، در سال ۱۳۳۸ شمسی در لبنان مستقر شد. ایشان در طی حدود ۲۰ سال اقامت خود در لبنان، فعالیت‌های علمی و عملی فراوانی در راستای خدمت‌رسانی به مردم لبنان و به ویژه شیعیان این کشور انجام داد تا اینکه در سال ۱۳۵۷ شمسی به دعوت معمر قذافی، به لیبی سفر کرد و

چندی پس از ورودش به لیبی ناپدید شد؛ سرنوشتی که تا به امروز دوستداران و شیفتگان نظر و روش او را از وجود شریفش محروم ساخته است. سیر زندگی امام موسی صدر، سیر منطقی مستحکمی دارد. او پس از گذراندن دروس حوزوی، وارد دانشگاه شد و زبان‌های خارجی را نیز آموخت و ضمن قرار گرفتن در محیط‌های مختلف، به عمل نیز پرداخت. این تسلسل منطقی، انسجام و غنای فکری و شخصیتی مناسب در حوزه عمل، از ویژگی‌های چشمگیر امام موسی صدر است. امام موسی همچون ذات خلقت که به سمت خوبی‌ها و نیکویی‌ها گام بر می‌دارد، با اساسی‌ترین خصیصه خود یعنی نیکی و خدمت در این مسیر حرکت کرده است. وی ضمن خواندن فلسفه و تاریخ، به حیطة ی نظر اکتفا نکرده و وارد عرصه عمل و تغییر شده است (سریع‌القلم، ۱۳۹۰، ص ۴).

امام موسی صدر، به عنوان برجسته‌ترین شخص میان متفکران شیعی (نصر، ۲۰۰۴، ص ۱۰۹)، یکی از مصلحان بزرگ تاریخ غرب آسیا است. مطالعه افکار و زندگی ایشان نشان می‌دهد که برای ظهور انسانی‌الگو و پیشوایی تاریخ‌ساز، باید صدها عامل با هماهنگی و تناسب چشمگیری در کنار هم چیده شوند تا چنین شخصیت‌هایی بروز کرده و الهام‌بخش هزاران انسان شوند. به عقیده برخی پژوهشگران، سه عامل مهم تربیت در خانواده‌ای اصیل، ضریب هوشی و هوش عاطفی بالا و تجربه در محیط‌های متنوع و متضاد، سیدموسی صدر را در این جرگه قرار داده است (نصر، ۲۰۰۴، ص ۲۰۸).

اگر بخواهیم میراث گرانبهای این مرد بزرگ را اگر بخواهیم تنها در یک جمله خلاصه کنیم، می‌توانیم آن را در چهار گزاره بیان کنیم: فکر و اندیشه امام صدر، وارد کردن دین در عرصه‌ی اجتماعی، تحول در جامعه شیعی و بالاخره شخصیت اخلاقی ممتاز ایشان. فکر و اندیشه امام موسی صدر فکری جمعی بود. او می‌خواست همه سهم باشند و با اشتراکات انسانی و معنوی با یکدیگر زندگی کنند. وی به دنبال جمعی تحت عنوان مسلمانان، موحدان و بشر دوستان بود که مخرج مشترک ادیان را مبنای رسالت اجتماعی و سیاسی خود قرار داده بود. به عبارت دیگر او به‌طور ذاتی، حامی جامعه مدنی و انسانی بود (نصر، ۲۰۰۴، ص ۲۱۱).

امام موسی صدر که با قرار گرفتن در موقعیت‌ها و محیط‌های فرهنگی. اجتماعی

متعدد، ضمن پایبندی بر آرای دینی خود، به نظرات و ایده‌های جدیدی دست یافته بود و شاید فضای لبنان را برای بیان آرای خود بر ایران و عراق ترجیح می‌داد و رویکردی جدید به دین، اسلام و انسان ارایه کرد. بر این اساس و در این مجال کوتاه، ضمن مطالعه و بررسی برخی منابع موجود در این زمینه، به دنبال آنیم که مهمترین و اساسی‌ترین معیار و ملاک تربیت دینی را از منظر امام موسی صدر کشف و آن را با بیان جملاتی از ایشان مستند کنیم. به امید آنکه این پیشوای فراتر از زمان، به جمع ما بازگشته و مسیر فکر و عمل وی همواره روشن و پر رهرو باشد.

مبنای نظری و مفهومی سید موسی، تغییر وضع نامطلوب جامعه است؛ مبنایی که با همه‌ی تلاش‌ها و فعالیت‌های انجام شده باربوده شدن ایشان در سال ۱۳۵۷ شمسی عقیم ماند. هرکس همچون امام موسی صدر وارد وادی تغییر وضع نامطلوب جامعه شود، طبیعی است خود را در معرض دشواری‌ها و مخاطرات قرار می‌دهد؛ اشتباه می‌کند، اصلاح می‌کند، اما مؤثر نیز واقع می‌شود. نگرش نسبی‌گرایانه به انسان و عمل و واکنش‌های او، توأمان باعث اتخاذ رهیافتی اخلاقی درباره‌ی انسان می‌شود؛ رهیافتی که از ویژگی‌های تعیین‌کننده‌ی ایده و عمل امام موسی صدر محسوب می‌شود. با این حال عملکرد سید موسی صدر به وضوح نشان می‌دهد که او به شدت تحت تأثیر نظام عقیدتی اسلام بوده و برای رفتارها و تحرکات و اقدامات و نوآوری‌ها، پایه‌ی دینی داشته است. او می‌نویسد:

«تنها قهرمان صحنه‌ی تاریخ انسان است، فقط اوست که تاریخ را می‌سازد، تغییر می‌دهد و به حرکت در می‌آورد. انسان خود نیز دگرگون می‌شود، پیشرفت می‌کند و این واکنش و واکنش‌های او با جهان پیوسته استمرار می‌یابد. فقط عمل انسان و هیچ عامل دیگر آفریننده و سازنده همه‌ی این حوادث است» (صدر، ۱۳۸۳، ص ۸۱).

۱. دین و ایمان از منظر امام موسی صدر

در بازخوانی اندیشه‌های تربیتی امام موسی صدر، نخست مناسب است به تبیین دین و ایمان از نظر امام موسی پرداخته شود. دین و ایمان از منظر ایشان تعریف، جایگاه و اهمیت خاصی دارد که دیدگاه ایشان را از سایر اندیشمندان مسلمانان و حتی غیر مسلمان متمایز

می‌سازد. ایشان همهٔ ادیان را به یک دید و همه را واحد می‌داند، زیرا نقطه‌ی آغاز همه‌ی آنها خدا، هدف آنها انسان و بستر تحولات آنها جهان است؛ از این رو ادیان همگی واحدند. از نظر امام صدر، آن‌گاه که ادیان در پی خدمت به خویشان برآمدند، طاغوت‌ها با تغییر چهره و در قالب دین بروز کردند و اختلاف در ادیان شکل گرفت. اختلاف میان ادیان باعث شد توجه هر دینی به خودش آنقدر زیاد شود که هدف اصلی به فراموشی سپرده شد و خدایان زمینی خود را به جای خدا قلمداد کردند (صدر، ۱۳۸۴، ص ۱۵). بر این اساس همه‌ی ادیان در نگاه توحیدی خود واحدند، اسلام نیز دین توحید است و بر مبنای فطرت الهی انسان تدوین گشته است. دین در اصل و اساس اتحاد و یگانگی با مبدأ و معاد است. ادیان به‌طور عام و اسلام به‌طور خاص به دنبال هماهنگی و یکپارچگی انسان با هدف اصلی و رهایی وی از تمامی هواهای درونی و بیرونی است. دین با بازسازی عقیده، عمل و اخلاق انسانی زمینه را برای این رهایی و نجات به سوی کرامت و حریت انسانی فراهم می‌کند. دین یک حرکت دائمی به سوی کمال انسانی و اجتماعی است که با هر نوع جمود و وقوف و ایستایی به مخالف بر می‌خیزد (هیدوس، ۱۴۳۰، ص ۷۷).

امام موسی صدر بر این باور است که دین به معنای تربیت مردم است، دین یعنی تغییر رویکرد مردم، تغییر ایمان آنان، تغییر ذهنیت آنان و تغییر عادات و آداب و رسومشان. به عبارتی دین یعنی تلاش برای از نو ساختن انسان (صدر، ۱۳۸۳، ص ۹۵).

امام موسی صدر با این توضیحات، در صدد بیان این نکته است که دین در دنیای امروز دگرگون شده و از مسیر خود خارج گشته است؛ واقعیت دین در زمان ما مبتنی بر تعبیر تصور است نه تصدیق. دین و ایمان در دنیای امروز به تابلوی بی‌روحی تبدیل شده که در بهترین حالت تنها به نادیده گرفتن رنج‌ها و سختی‌ها می‌انجامد. امروز دین میراثی قانونی است که زینت بخش افراد است و ایمان نیز نقش حائل و مانع میان انسان‌ها را بازی می‌کند (صدر، ۱۳۸۴، ص ۳۱). دین، اخلاق و شریعت در عین اینکه به ابزاری برای رسیدن به آمال مادی تبدیل شده، تاوان بسیاری از گناهان گذاشته است تا جایی که با تفسیرهای عقب‌مانده و دیر هنگام خود، خود را فرماندار تمدن جدید ساخته و ضمن اکتفا کردن به شعار و لقلقه‌های زبانی به قید و محدودیت‌های زندگی بشری مبدل گشته است. با آنکه

هدف و مسیر اصلی دین و ایمان رهایی و آزادی انسان از محدودیت‌ها و حصارهای مادی و غیر مادی و نیز ایجاد امید به بی‌نهایت و تکیه‌گاه بدون تزلزل بود، امروز کارکردی جز قید و بندهای ظاهری و ایستگاه‌های متزلزل ندارد. به عقیده امام موسی صدر ایمان یک باور راسخ قلبی و تحرک رفتاری است که به مجزء اقرار زبانی حاصل نمی‌شود؛ بلکه ایمان یک حرکت دائمی به سوی کمال انسانی است که تنها با عبادات محقق نمی‌شود (هیدوس، ۱۴۳۰، ص ۷۸). نتیجه‌ی چنین ایمانی آنقدر قابل توجه است که خود را در تمامی ساعات و لحظات و حوادث تند و شدید یا کند و آرام زندگی نشان می‌دهد: در غم و شادی، شکست و پیروزی، ترس و امید، ضعف و قوت (هیدوس، ۱۴۳۰، ص ۷۹). بر این اساس ایمان، حاصل حرکت هماهنگ و رو به رشد ابعاد وجودی انسان از جمله باورها، اعمال و اخلاق است. دین و ایمان واقعی، انسان را قبل از اینکه به هدف برسد پیروز می‌کند، از این رو انسان دیندار همواره پیروز و کامیاب است. بقایای ایمان منوط به تمسک به دین است که امور میان خدا، انسان و جهان را سامان می‌بخشد و همه اهداف، مصالح و منافع انسان‌ها را محقق می‌سازد. در این راستا میان دین، علم و پیشرفت‌های بشری هرگز ناسازگاری روی نخواهد داد، بلکه دین با نیرویی توانمندتر جامعه را به سوی پیشرفت‌های مادی و معنوی و انسان را به آزادی و کرامت واقعی (صدر، ۱۳۸۴، ص ۵۶) سوق می‌دهد.

اسلام آغوش خویش را برای پذیرش دیگر فرهنگ‌های بشری می‌گشاید، از آن اقتباس می‌کند، به نزد خویش فرا می‌خواند و بدان پویایی می‌بخشد و این پویایی و نشاط را از وظایف آدمی در عرصه هستی می‌شمارد. فرهنگ اسلامی، همواره انسان را به پیشرفت در عرصه‌های مختلف تحول اندیشه سوق می‌دهد و با شکیبایی و تحول، هر اندیشه جدیدی را بر می‌تابد و این کار را نوعی سلوک الی الله و گامی در راه شناخت او و پیمودن مسیر کمال می‌شمارد. اسلام از هر تلاش فکری مثبت و هر تحول سالم در اندیشه استقبال می‌کند و آن را بخشی از رسالت انسان در عرصه زندگی و یکی از وظایف و واجبات به شمار می‌آورد؛ چرا که اسلام برای دین جایگاه اصیلی قائل است که هیچ‌یک از علوم و قوانین وضعی نمی‌تواند جایگزین آن گردد و قرآن کریم نیز در هر مرحله‌ای، این حقیقت را به روشی جدید و در قالبی نو و متناسب با برداشت‌های جدید از انسان و جهان تبیین می‌کند و هر بار انسان را نسبت

به مقوله‌ی جدیدی در جهان هستی، آگاهی می‌بخشد. بدین ترتیب می‌توان در هر زمان و مکانی و در سایه‌ی هر تحول نویی، درک جهان هستی و یا کتاب تکوین را با استفاده از کتاب تشریح الهی یعنی قرآن کریم هماهنگی و انسجام بخشید (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵).

۲. آزادی و کرامت انسان

از تعریف، اهمیت و جایگاه والایی که امام برای دین و ایمان قائل است، بر می‌آید که انسان به عنوان مقصود اصلی دین و ایمان دارای چه منزلتی است. به عقیده‌ی امام موسی صدر ادیان به‌طور عام و اسلام به‌طور خاص با شعار قرار دادن اصل کمال طلبی انسان، خود را در جهت حفظ و تقویت همه‌ی نیروهای انسانی و نیروی همه‌ی انسان‌ها سامان بخشیده است. ایمان تنها با التزام خدمت به انسان محقق می‌شود، از این رو همه‌ی ادیان در خدمت بشرند (صدر، ۱۳۸۴، ص ۱۷). به نظر امام صدر، ایمان به خدا از کوشش برای خدمت به مردم و کاستن از دردهای آنان جدا نیست؛ چه ایمان به خدا راهی مناسب را برای رسیدن به این هدف مقدس یعنی خدمت به محرومان ترسیم می‌کند (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۸۲). در همین راستا ایشان در جای دیگر در مورد رعایت حال همسایگان گفته است: «اگر امور همسایگان را نادیده انگاشتی، نمازت تو را به جهنم می‌کشاند و از بهشت دورت خواهد ساخت» (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۵۴۸). میان آزادی و رشد و تکامل فردی و اجتماعی افراد رابطه‌ی غیر قابل انکار وجود دارد؛ زیرا رشد همه‌ی نیروهای انسانی و نیروی همه‌ی انسان‌ها به عنصر حیات بخش آزادی نیازمند است. آزادی اصل و اساس و سرچشمه‌ی همه‌ی توانایی‌های بشر است، به همین علت دین با تمامی اشکال مختلف سلب آزادی بشر از جمله استبداد، استعمار، تروریسم فکری، جهل و بی‌سوادی، فقر و محرومیت، تعصب و نژاد پرستی به شدت به مقابله بر می‌خیزد و با هماهنگ ساختن خود با جامعه، نیازهای شخصی و اجتماعی انسان‌ها در به فعلیت رساندن تمامی قوای انسانی نهایت تلاش خود را به انجام می‌رساند (صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۲). به رسمیت شناختن آزادی انسانی اگرچه می‌تواند مخاطراتی را به همراه آورد، با این حال اصل و اساس خلقت آدمی تمایل و گرایش شدیدی به خوبی‌ها دارد. انسان این بخش ممتاز از جهان به نحو ذاتی نیکوکار است و فطرتش به دین راست و درست گرایش دارد و بنا

به آفرینش خود، می‌تواند در خطی که برایش ترسیم شده، حرکت کند. اگرچه جز به سوی کمال راه دیگری ندارد، اما مجبور نیست تنها تسبیح بگوید. انسان خلیفه خدا بر روی زمین قرار داده شده است و کلیدهای هستی به دست اوست و تمام نیروهای هستی به تسخیر او در آمده است. مفهوم خلیفه به درستی گویای استقلال انسان و آزادی کامل او در کار و کنش بر روی زمین است (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۶۴).

از منظر امام موسی صدر، آزادی همان به رسمیت شناختن انسان و به رسمیت شناختن کرامت وی و خوش‌گمانی به اوست. هرگونه کاستن از آزادی انسان، به نوعی به اسارت کشیدن انسان و محروم کردن او از حق اولیه و الهی اوست (صدر، ۱۳۸۴، ص ۲۴). از این رو انکارکننده‌ی آزادی انسان، انکارکننده‌ی فطرت انسانی و فطرت الهی انسان است. آزادی حقیقی رهایی انسان از کلیه فشارهای بیرونی و درونی زندگی بشر است. بر این اساس آزادی انسان والاترین شیوه برای شکوفایی قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و استعدادهای جامعه و تک‌تک افراد انسانی است و این دین و ایمان است که مهمترین منبع شناختی و رفتاری لازم در تأمین آزادی و کرامت انسانی را در اختیار جامعه قرار می‌دهد. آزادی، یکی از پایه‌هایی است که ایمان بر آن استوار می‌شود و برای دستیابی به منافع انسان و برای اثبات ایمان به پروردگار و آفرینندگی او باید بدان اتکا کرد. از نظر امام صدر، آزادی، برترین ابزار برای بهره‌وری از نیروهای وجودی انسان است. آدمی در جامعه‌ای که آزاد نباشد، قدرت خدمت ندارد و اگر آزادی نداشته باشد، نمی‌تواند تمام نیروهای خویش را به کار گیرد و همه‌ی موهبت‌ها را پرورش دهد. پس آزادی بهترین وسیله برای به‌کارگیری نیروهای درونی فرد در خدمت به جامعه و نشانه‌ی احترام به کرامت انسانی و خوش‌گمانی به انسان است (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۶).

رابطه‌ی امام موسی صدر با افراد براساس ارزش‌های انسانی و اخلاقی و نیز نادیده‌انگاشتن مذهب، مسلک و مرام و قضاوت‌های سوگیرانه در مورد آنها قابل تحسین است. توجه به شکایت یک بستنی‌فروش مسیحی و خوردن بستنی او، دلیل روشنی بر این مدعاست (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۵۵). در نهایت می‌توان گفت که امام صدر انسان‌گرایی را جزء اسلام می‌داند و به بیان سید محمد حسن ابوترابی امام موسی صدر فقیهی است که عاشق انسان است. (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۷۲).

۳. امام موسی صدر معلم و فقیهی پویا

امام موسی صدر، اگرچه در عرصه فقه و اصول به مقام اجتهاد رسیده بود، اما در درجه اول معلمی زنده و پر تلاش بود. حیات و زندگانی در عرصه های علمی و نظری مستلزم داشتن روحیه باز و منعطف در تعامل با دانش پژوهان است. این همان چیزی است که هم در وجوه علمی و هم وجوه عملی امام صدر قابل شهود است. به نظر نمی رسد آنچه تاکنون در قالب جملات ناقص و قاصر نویسنده بیان شده، شخصیت والا و با عظمت امام موسی صدر را به تصویر کشیده باشد، بدین لحاظ با استفاده از نظرات برخی دوستان و همنشینان ایشان چون آیت الله جنتی، برخی ویژگی های برجسته امام را در قالب ده گزاره مطرح می کنیم: استعداد فوق العاده و حافظه قوی، تجلیل توسط اساتیدش در مناسبت های مختلف و فروتنی و تواضع ایشان، درک او از جهان شمول بودن شریعت، برخورداری گسترده از جهان بینی اسلامی، آگاهی به آراء و نظرات پیروان ادیان و مذاهب مختلف، احترام به همه ی آراء و اندیشه های مختلف، شناخت جامعه اسلامی و جوامع دیگر و نیازهای هر یک، صاحب نظر بودن در همه زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری براساس بینش جهانی و واقع گرایانه، توانایی در عرضه دریافت های خویش از مبانی اجتماعی و اخلاقی اسلام و بالاخره درک روح کلی شریعت از مبانی آن براساس آسان گیری و گذشت (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲، ۱۱۰).

تنوع اجتماعی و آموزشی امام موسی صدر، توجه وافر به اوضاع مکان و زمان و انطباق اصول دینی با آن، داشتن نظرات فقهی خلاف مشهور و معرفی نمایی جدید از روحانیت و ارائه تعریف نوین از دین، شخصیت ایشان را متعادل و به اندیشمند نوگرای دینی تبدیل کرده است. در این باره یکی از محققان اندیشه ی امام صدر، ایشان را از زبان یکی از دوستانشان چنین معرفی می کند:

«مثلاً یک مورد مسأله ی طهارت اهل کتاب بود، آن هم زمانی که هنوز کسی جرأت ابراز آن را نداشت یا مورد دیگر که من هنوز جایی ندیده ام که مطرح شده باشد پاک بودن ذبیحه اهل کتاب بود... نمونه دیگر آراء ایشان در مورد موسیقی است... ایشان این تعبیر را داشتند که ما در برخورد با مسائل نو آنقدر صبر می کنیم و صبر می کنیم که آن چیز نو خودش را با همه خصوصیاتش بر ما

تحمیل می‌کند و بعد عکس‌العمل نشان می‌دهیم» (سریع‌القلم، ۱۳۹۰، ص ۲۴). یکی دیگر از خصوصیات بارز امام صدر که وی را به فقیهی پویا تبدیل کرده است، بکارگیری خرد نقاد و عقل سلیم انسانی در عرصه نظر و خدمت به انسان در عرصه عمل است. وی اسلام را دین زندگی می‌داند و در این راستا ارتباط خود را با برخی اندیشمندان روشنفکر دینی همچون بازرگان و شریعتی مستحکم می‌کند. وی که معتقد است دین برای رفع مشکلات مادی و معنوی انسان و ترقی و پیشرفت جامعه نازل شده است، چاره‌ای جز پیوند با آزادی، تجدد، عقل و اخلاق ندارد (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰). ایشان با نگاه جدید و رویکرد تازه‌ی خود به دین و با روحیه‌ی تساهل و تسامح بالا، زمینه را برای گفتگو و تعامل میان همه فرقه‌ها و اندیشه‌های گوناگون کاملاً هموار می‌کند.

آشنایی با فرهنگ‌ها، جوامع، ادیان و زبان‌های مختلف، امام صدر را به جای ظاهر بینی و شریعت محوری محض، به توجه به حقیقت دین سوق داده است. وی که به عقیده برخی دوستان سید جمال را در بیداری مسلمین و اقبال لاهوری را در احیای تفکر دینی الگوی خود قرار داده بود (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۱۹)، در پی احقاق حقوق همه آدمیان از مسلمان و غیر مسلمان بود. او که هرگز در پی تحمیل عقاید خود بر نیامد، هرکس را نسبت به آیین‌اش محترم می‌شمرد و به آیه‌ی شریفه‌ی «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶)، اعتقاد راسخ داشت؛ زیرا معتقد بود دین تحمیل کردنی نیست و هرکس با اختیار و اشتیاق و براساس آزادی و کرامت انسانی باوری را بر می‌گزیند و بر همین اساس است که مورد احترام و حرمت واقع می‌شود. از آنجایی که زیر بنای ساختار فکری امام صدر، انسان‌گرایی و تأمین نیازهای انسانی است، دین و ایمان نیز در راستای خدمت به خلق و تأمین زندگی اجتماعی شایسته برای بشر به منصفه ظهور می‌رسد. امام صدر معتقد بود که برای اکتشاف باورهای خاص زندگی بشر و تجسم بخشیدن به آن، به ضرورت می‌بایست عقل و وحی همنشین هم باشند؛ چنانکه تأکید می‌ورزید برای استحصال هر معرفتی، هرچند معرفت دینی، باید از عقل آغاز کنیم تا به خدا برسیم (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۶۷).

سید موسی در ارائه‌ی تصویری صحیح از دین و دینداری تلاش بسیار نمود؛ تلاشی که در آن به نیازهای انسان، ارائه‌ی ایمانی حرکت‌زا، رفع رنج‌های انسانی، عینیت بخشیدن به

ایمان در زندگی و اجرای دین در همهٔ صحنه‌های خدمت به خلق دور هم جمع آمده بود. وی بر آن بود که امامان و نیکان و پدران ما، خویشان را از یاد برده و خود را وقف خدمت به امت کردند، پیکار کردند و اجتهاد کردند و افتخار ما این است که باب اجتهاد بر روی ما بسته نبوده است. اجتهاد، تلاشی است برای تطبیق احکام کلی شرع با وضع فعلی موجود زندگی؛ استنباط احکام برای موضوع و برای اجرا. از این رو همهٔ وقایع را با دیدهٔ اجتهادی و پویا و واقع‌نگرانه می‌نگریستند نه با نگرش جامد و متحجرانه (صدر و سرحدی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲). با همه‌ی این توضیحات که در راستای ارائهٔ تصویری هماهنگ با امام موسی صدر. روشنفکر و آزاد اندیش دینی صورت گرفت. رویکرد عملی ایشان نیز همچون ایده‌های فکری اش برجسته و درخشان است. ایشان تنها کسی است که برای نخستین بار به عنوان یک فقه مسلمان در کلیسا حاضر شد و به سخنرانی پرداخت و در مقابل روحانیان برجستهٔ مسیحی را نیز به نماز جمعه دعوت کرد. شرکت گسترده‌ی ایشان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی لبنان و ایران از جمله‌ی تأسیس جنبش امل، مشارکت در انتخاب رئیس جمهور و اعضای پارلمان، دیدار با سران کشورهای مختلف، تأسیس نهادهایی برای خدمت به مردم، محبوبیت میان جوانان تحصیل کرده و نیز تلاش برای تأسیس مجله‌ی مکتب اسلام و ایجاد اصلاحاتی در حوزه از این جمله است (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲).

۴. معیار و ملاک تربیت دینی از منظر امام موسی صدر

آنچه تاکنون بیان شد، در صدد ارائه‌ی شناختی توصیفی از شخصیت و آرای در دسترس امام موسی صدر در خصوص دین، ایمان و انسان بود. مهمترین ایدهٔ ایشان در مورد دین را شاید بتوان وحدت ادیان و سازگاری و هماهنگی آن با فطرت و سرشت انسانی دانست. مهمترین نکته در مورد ایمان، ساری و جاری شدن آثار و تجلیات آن در صحنه‌های مختلف زندگی بشری است و بالأخره برجسته‌ترین آموزهٔ امام صدر در مورد انسان به رسمیت شناختن وی در سایه سار آزادی و کرامت انسانی اوست که دین و ایمان نیز در جهت تحقق چنین آموزه‌ای به منصفهٔ ظهور در آمده‌اند، اما از میان معیار و ملاک‌های مختلف ارزیابی دین که در مقدمه‌ی این مقاله ارائه شد، به نظر می‌رسد که چارچوب تئوریک هانس کونگ در ارزشیابی

ادیان به اندیشه امام موسی صدر نزدیکتر باشد. ملاک اول از سه ملاک نظری هانس کونگ - که همان ملاک اخلاقی عام ادیان است - تا آنجا که در خدمت فضائل انسانی است و انسان‌ها را به موجوداتی معنادار و سودمند مبدل می‌سازد، ملاک برتری و ارزشمند دین محسوب می‌شود. با مرور دوباره بر علم و نظر امام صدر در می‌یابیم که از منظر ایشان دین حقیقی، با دعوت انسان به وحدت و یگانگی با مبدأ و معاد خود، ضمن آزادسازی انسان از تمامی بندهای درونی و بیرونی او را به سوی آزادی و حریت انسانی رهنمون می‌سازد و با بازسازی عقیده، عمل و اخلاق انسانی در وی کرامت و حریت انسانی را احیاء می‌سازد. در سایه سار چنین تحوّل شگرفی، یک حرکت دائمی به سوی کمال انسانی و اجتماعی که همان دستیابی به فضائل و ملکات والای بشری است، آغاز می‌شود. بدین ترتیب معیار و ملاک دین و دینداری از منظر امام موسی صدر، رویکرد اخلاقی به انسان در به رسمیت شناختن کرامت و حریت او و دستیابی به فضائل انسانی است.

ایشان می‌گفتند: برای من بسی مایه‌ی خوشبختی است وقتی در گزارش‌ها می‌خوانم یا از زبان مردم می‌شنوم که جوانان ما حتی آنان که در نبردها شرکت داشته‌اند، رفتاری شرافتمندانه دارند، به بی‌گناهان تعرض نمی‌کنند، از خانه‌های مردم چیزی را به سرقت نمی‌برند، از نیرنگ و فریب استفاده نمی‌کنند و از رفتار و منش صحیح و مبتنی بر فضیلت که از آنان انتظار می‌رود، تخطی نمی‌کنند. این بزرگ‌ترین پیروزی ماست، در اصل پیروزی ما همین است و نه چیز دیگر (هیأت رئیسه جنبش آمل، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۲۶). همچنین می‌فرمودند: «ما نمی‌توانیم بپذیریم که نهادها و سازمان‌ها جز بر مبنای فضیلت، نیکی، حقیقت و ایمان به خدا شکل گیرد» (هیأت رئیسه جنبش آمل، ۱۳۸۹، ص ۱۸۰).

بر همین مبنا سید موسی صدر، با خارج ساختن ملاک‌ها و معیارهای ظاهری و مرسوم دین، ضمن تبدیل دین به یک جهان بینی، اندیشه و راهنمای عمل خلاقیت و انسان دوستی را به جای آن تدوین نمود.

نتیجه‌گیری

۱. تعریف دین از منظر امام موسی صدر، تعریفی انسان‌گرایانه است که تنها در خدمت و بزرگداشت افراد انسانی محقق می‌گردد؛
۲. امام موسی صدر ضمن آشنایی با معارف، زبان‌ها، ملل و ادیان مختلف، با درپیش گرفتن روحیه‌ی تساهل و تسامح دینی در جهت به رسمیت شناختن انسانیت همه‌ی انسان‌ها هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی تلاش وافر نمود؛
۳. ایشان تحت عنوان فقیه‌ی پویا، با در نظر داشتن تحولات مکان و زمان و نیازهای انسان امروز با دوری کردن از ظاهرگرایی و شریعت محوری محض، به دنبال وضع احکام جدید برای موضوعات پیش آمده در دنیای امروز بود؛
۴. امام صدر با تمرکز بر حقوق اولیه‌ی انسان که همانا حرّیت و کرامت انسانی است، با تمامی مظاهر منافی این حقوق به مقابله برخاست و با ملاک قراردادن حرّیت و کرامت انسانی به عنوان مهمترین ملاک و معیار تربیت دینی، خود را با رویکرد انبیای الهی در تعلیم و تربیت اخلاق محور هماهنگ ساخت.

فهرست منابع

• قرآن کریم

۱. سریع القلم، محمود. *بیشوایی فراتر از زمان*، تهران: مؤسسه امام موسی صدر، ۱۳۹۰.
 ۲. صدر، موسی. *ادیان در خدمت انسان*، تهران: امام موسی صدر، ۱۳۸۴.
 ۳. _____، *موسوعة الامام الصدر*، تهران: مؤسسه امام موسی صدر، بی تا.
 ۴. صوان هیدوس، فاطمه. *المرأة فی فکر الامام السید موسی صدر*، بیروت: دارالامیر، ۱۴۳۰ق.
 ۵. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴.
 ۶. فرخیان، مهدی. *اندیشه ربنوده شده*، تهران: مؤسسه امام موسی صدر، ۱۳۸۵.
 ۷. قنبری، حسن، *دین و اخلاق در نگاه هانس کونگ*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.
 ۸. نصر، حسین. *در غربت غربی*، ترجمه امیر مازیار، تهران: رسا، ۲۰۰۴م.
 ۹. هیک، جان. *مباحث پلورالیسم دینی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: تبیان، ۱۳۸۳.
10. Meister, Chad, *Philosophy of Religion* ,Routledge,2009.